

علل توسعه نیافتگی ایران

(بر اساس تحلیل محتوا آثار منتشر شده در این زمینه)

اسداله نقدی*

محمد جواد حصارى**

چکیده

آگاهی نسبت به عقب ماندگی در ایران سابقه ای دیرینه دارد. مروری کوتاه بر تاریخ پر فراز و نشیب ایران، خصوصاً طی ۱۵۰ سال اخیر گویای تلاش های خستگی ناپذیر مصلحانی چون عباس میرزا، امیرکبیر، قائم مقام، مصدق و دیگرانی است که برای اعتلای ایران و پیشرفت و توسعه یافتگی آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند. این تحقیق در پی آن است تا علل عقب ماندگی ایران را از طریق روش فراتحلیل برخی از آثار منتشر شده در این زمینه مورد جستجو و کنکاش قرار دهد. بنابراین سؤال اساسی این تحقیق این خواهد بود که از دیدگاه جامعه شناسان و نظریه پردازان مورد بررسی، چه عوامل جامعه شناختی در عقب ماندگی ایران و عدم پیشرفت و توسعه نیافتگی آن نقش داشته اند؟ چارچوب نظری تحقیق بر مبنای نظریات نوسازی، نظریه وابستگی و نظریه نظام جهانی تعیین و در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. ضمن تشریح آثار فوق، ارتباط توسعه نیافتگی ایران با این نظریات، بررسی شدند. با روش فراتحلیل، آثار منتشر شده در زمینه توسعه نیافتگی ایران بررسی شده است. این امر از طریق بررسی اسنادی آثار انجام گرفته است. این آثار بر مبنای معیارهایی چون بعد زمانی، جغرافیایی، موضوعی و ... انتخاب شده اند. نتایج نشان میدهد که تا زمانی که ایرانیان خود آمادگی پذیرش نفوذ خارجی و استعمار را نداشتند، این عامل به تنهایی نمی توانست مانعی برای توسعه در ایران باشد. از میان عوامل خارجی که بررسی شده اند می توان به امپریالیسم، استعمار، ایجاد زمینه برای فرار مغزها و انتقال تکنولوژی اشاره کرد. موانع سیاسی و به ویژه استبداد تاریخی و آمادگی ایرانیان در پذیرش استبداد حائز رتبه نخست در میان عوامل متعددی بوده است که در این آثار به آن ها اشاره شده است. کتاب هایی که مسائل اجتماعی و نقش این مسائل را در توسعه نیافتگی ایران مدنظر داشته اند، به دو مورد بیشتر اشاره داشته اند: یکی نقش چندپارگی ها و گسست های اجتماعی و دیگری نقش نابرابری های اجتماعی در عقب ماندگی ایران.

واژگان کلیدی: توسعه، فراتحلیل، موانع توسعه، ایران

مقدمه

توسعه، توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی از دیرباز از مباحث بسیار مهم و اغلب چالش برانگیز در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی بوده است. به طوری که اکثر جامعه‌شناسان، هر یک تعریفی از آن را ارائه کرده‌اند. اگر چه مفاهیم مربوط به توسعه، اکثراً مفاهیمی غربی و متعلق به مغرب زمین هستند، اما بیشترین کاربرد آن‌ها در جوامع شرقی و امریکای لاتین در حال توسعه بوده است. اقتصاددانان و جامعه‌شناسان این جوامع با تکیه بر نظریات نوسازی، توسعه نیافتگی و وابستگی، هر یک نظراتی در زمینه علل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی خود نسبت به جوامع پیشرفته ابراز داشته و آثاری را منتشر کرده‌اند. در این ارتباط می‌توان گفت که با در نظر گرفتن نظریات توسعه و نیز مطرح نظر قرار دادن زمینه تاریخی هر کشور می‌توان فرایند توسعه و یا عدم توسعه را تشریح نمود. نظریه نوسازی و مدرنیزاسیون از یک طرف و نظریات مربوط به مکتب وابستگی از طرف دیگر، هر یک به تشریح فرایند توسعه در میان جوامع، به ویژه جوامع کمتر توسعه یافته موسوم به جهان سوم پرداخته‌اند.

ایران، از مشروطه به بعد، دوران گذار را تجربه کرده است و طبیعی است که بحث توسعه، توسعه نیافتگی و علل عقب ماندگی ایران از دغدغه‌های مهم متفکران اجتماعی در این برهه بوده است. هر یک از این متفکرین، از دیدگاهی به بررسی این امر پرداخته است که توضیح آن با توجه به نظریات توسعه می‌تواند راه‌گشا باشد.

در زمینه توسعه نیافتگی و عقب ماندگی ایران، کتاب‌ها و مقالات بسیاری انتشار یافته است که بررسی هر یک می‌تواند گوشه‌ای از زوایای پنهان توسعه نیافتگی را نمایان سازد. این پژوهش در پی مطالعه آثار منتشره درباره علل توسعه نیافتگی ایران و بررسی و طبقه‌بندی این آثار است.

آگاهی نسبت به عقب ماندگی در ایران سابقه ای دیرینه دارد. شاید بتوان تأمل و تفکر عباس میرزا پس از شکست در جنگ با روس‌ها و عقد عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای، درباره علل شکست در این جنگ و پیشرفت و توسعه یافتگی آن‌ها و ضعف و ناتوانی ما را از اولین و ابتدایی‌ترین بارقه‌های آگاهی ایرانی در زمینه عقب ماندگی خود دانست. طی سالیان متمادی، از آن زمان تاکنون، مصلحانی چند ظهور کرده و در پی حل مشکل عقب ماندگی ایران تلاش‌ها نموده‌اند، اما همه این تلاش‌ها نیز ناکام ماند و فاصله کشور بزرگ و پهناور ایران، با دنیای پیشرفته و توسعه یافته مغرب زمین هر روز بیشتر و بیشتر شد.

مروری کوتاه بر تاریخ پر فراز و نشیب ایران، خصوصاً طی ۱۵۰ سال اخیر گویای تلاش‌های خستگی‌ناپذیر مصلحانی چون عباس میرزا، امیرکبیر، قائم مقام، مصدق و دیگرانی است که برای اعتلای ایران و پیشرفت و توسعه یافتگی آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند. با دقت در روند تاریخی ایران، می‌توان انقلاب مشروطه را نقطه عطف آگاهی ایرانیان نسبت به عقب ماندگی شان دانست و همچنین سلسله پهلوی را سرآغاز کوشش آنان برای مدرنیزاسیون برشمرد. نیک می‌دانیم که هیچ‌یک از این تلاش‌ها، سرانجام حقیقی خود را نیافته است و کشور ما همچنان پس از ۱۵۰ سال در حال توسعه خوانده می‌شود. این بحث زمانی که خود را بادیگر کشورها، مثلاً کشورهای آسیای جنوب شرقی، مقایسه می‌کنیم، ابعاد خود را نمایان تر می‌سازد.

به نظر می‌رسد عناصری در ساختار جامعه ایران وجود دارد که مانع توسعه است. اگرچه این نظر، مورد تأیید عموم

نظریه پردازان توسعه نیافتگی ایران نیست و برخی از آنان عواملی خارج از ساختار اجتماعی ایران را در این امر دخیل می دانند، اما بیشتر صاحب نظران بر نقش پر رنگتر عوامل داخلی تأکید دارند. با توجه به مطالبی که عنوان شد، می توان گفت توسعه نیافتگی و عقب ماندگی ایران، از جمله مسائل بسیار مهم ما به شمار می رود و ذهن بسیاری از متفکرین، اندیشمندان و کارشناسان را به خود معطوف داشته و تلاش های بسیاری را نیز از طرف دولتمردان برانگیخته است. تعداد زیادی متفکر، روشن فکر و سیاستمدار در طول دهه های گذشته، به مسئله ای به نام عدم توسعه یافتگی ایران پرداخته اند و ده ها عنوان کتاب و مقاله از زوایا و دیدگاه های مختلف به تحلیل این مهم پرداخته اند. استمرار این آثار و تحلیل ها نشان می دهد که همچنان این امر به عنوان یک مسئله و مشغله فکری برای ایرانیان باقی مانده است.

این تحقیق در پی آن است تا علل عقب ماندگی ایران طی بازه زمانی معاصر از طریق روش فراتحلیل برخی از آثار منتشر شده در این زمینه را مورد جستجو و کنکاش قرار دهد. در این ارتباط آثاری از چند متفکر و صاحب نظر انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته اند. مسأله اصلی این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی و جامعه شناختی عقب ماندگی، توسعه نیافتگی و وابستگی ایران از طریق فراتحلیل برخی آثار منتشر شده در این زمینه است. در این راستا می توان این سؤالات را طرح و بررسی کرد:

- ۱) در زمینه توسعه نیافتگی ایران چه تقسیم بندی هایی وجود دارد؟
- ۲) سهم عوامل داخلی و خارجی در هر یک از این تقسیم بندی ها چگونه است؟
- ۳) تئوری توطئه چه جایگاهی در این تقسیم بندی ها دارد؟
- ۴) از بین عوامل مختلف، سهم عوامل اجتماعی و جامعه شناختی به چه میزان در این آثار توصیف شده است؟
- ۵) راه های برون رفتی که در این مطالعات پیشنهاد شده است چه هستند؟

به طور کلی در مباحث مربوط به توسعه، نظریات زیادی از سوی صاحب نظران علوم مختلف، از جمله علوم اجتماعی و جامعه شناسی تدوین و طرح شده اند. توسعه بر مبنای تعاریف مختلف و متعددی تعریف شده و دارای ابعاد و تقسیم بندی های گوناگونی است. تعریف توسعه از بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، انسانی و ... بر همین اساس صورت گرفته است. همین نکته باعث شده تا نظریه پردازان گوناگون، هر یک توسعه را از بعدی خاص نگاه کنند و نظریات متفاوت و گاه متضادی را در این زمینه ارائه نمایند.

در این بخش تلاش می شود تا مهم ترین این نظریات را به اجمال مطرح و معرفی کنیم: نظریات مرتبط با تحلیل توسعه یا عدم توسعه نیافتگی بویژه نظریه نوسازی و وابستگی بعنوان پارادایم های اصلی تحلیل انتخاب شده است. مایکل تودارو (۱۹۸۵) معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۵). همچنین در تعریف گونامیردال (۱۹۶۸) درباره توسعه آمده است: «توسعه یعنی فرایند دور شدن از «توسعه نیافتگی»، یعنی رهایی از چنگال فقر.» (همان، ۲۶)

توسعه هنگامی همه جانبه و پایاست که بتواند همه زمینه های زندگی را بپوشاند. بنابراین هدف توسعه نمی تواند صرفاً اقتصادی و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد، بلکه توسعه فرایندی از تغییر و دگرگونی است که نه تنها در زمینه های اقتصادی، بلکه همچنین نظام اجتماعی، سازمان سیاسی و چارچوب فرهنگی را که

رفتارهای انسانی را در جامعه متحول می سازد، تحت پوشش می گیرد (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

از طرف دیگر، توسعه نسبت به جامعه ای که در آن رخ می دهد می تواند حالت درونزا و یا حالت برونزا داشته باشد. الگوی توسعه درونزا بر خلاف الگوی توسعه برونزا، الگویی است که جهت گیری داخلی دارد. در این الگو، منابع تاریخی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه خودی مورد توجه قرار می گیرد و بر این واقعیت تأکید دارد که چگونه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را تغییر دهد که عوامل بازار بتوانند با فعالیت خود نیازهای داخلی جامعه را تأمین کنند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۵۵).

اگر به فرایند برنامه ریزی و توسعه در ایران نگاه کنیم، درمی یابیم که نقطه عزیمت حرکت ایرانیان برای دستیابی به توسعه نیز همانند سایر کشورهای جهان سوم، از منظر توسعه برونزا بوده است. به لحاظ تاریخی نیز، ایرانیان زمانی به درکی از عقب ماندگی خود رسیدند که خود را در برابر جهان پیشرفته ناتوان دیدند و از همان زمان این پرسش همیشگی برای آنان وجود داشت که چرا آن ها پیشرفت کردند و ما عقب ماندیم؟

از سوی دیگر، روی دیگر سکه توسعه، توسعه نیافتگی است. فورتادو (۱۹۶۹) در تعریف توسعه نیافتگی می گوید: توسعه نیافتگی وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۰).

ویژگی های توسعه نیافتگی را می توان به دو بخش ویژگی های اقتصادی و ویژگی های غیر اقتصادی تقسیم کرد. ویژگی های اقتصادی شامل: وابستگی اقتصادی، ورود سرمایه های خارجی و بروز بدهی های کلان، وجود مؤسسات و شرکت های چندملیتی، عدم ثبات وضع مبادلات، اقتصادی تک محصولی و صدور مواد اولیه و سطح بالای بیکاری و کم کاری است (نراقی، ۱۳۸۰: ۸۶). ویژگی های غیر اقتصادی نیز شامل: رفاه اجتماعی نازل، توزیع ناعادلانه ثروت، بی کفایتی دولت ها، نرخ بالای رشد جمعیت، وضع بد بهداشت همگانی و سطح بالای بی سوادی است. (همان، ۸۷).

نظریه نوسازی: این نظریه در بین رویکردهای مرتبط با جامعه شناسی توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه- های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۶۴). این رویکرد، در واقع جایگزین نظریه رشد بود و به عنوان ابزاری نظری در دوران جنگ سرد مورد استفاده بلوک غرب قرار گرفت. همانطور که از عنوان این واژه برمی آید، نوسازی یا نوین سازی یا مدرنیزاسیون به معنای نو شدن و کنار گذاشتن مظاهر سنتی و قدیمی، آن چنان که مناسب توسعه باشد، است. در واقع نوسازی به این امر اشاره دارد که فرهنگ سنتی جوامع غیر پیشرفته، راه را برای توسعه آنان بسته است و بنابراین این فرهنگ سنتی باید کنار گذاشته شده و فرهنگ نوینی جایگزین آن گردد. در جامعه شناسی، در تعریف نوسازی، بر ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش ها و دگرگونی در کنش ها و غالب شدن کنش های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه تأکید می شود (همان: ۱۶۸). از آنجا که برخی اندیشمندان، نوسازی را معادل توسعه در نظر گرفته اند، همان تقسیم بندی ها و طبقه بندی هایی که برای توسعه ذکر می شود، برای نوسازی هم صدق می کند. بنابراین می توانیم از نوسازی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانی سخن بگوییم.

نظریه وابستگی: پس از انتقادات وارد شده به نوسازی دیدگاه وابستگی مطرح گردید. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی (شرکت ها) و سیاسی، سازوکار اصلی استثمار سرمایه دارانه است. در این دیدگاه ها،

ویژگی های اجتماعی کشورها و جوامع فقیر تقریباً یک سره از نقطه نظر رابطه آنان با ابزار تولید و ناسازگاری ذاتی بین منافع طبقه سرمایه داری و کارگری تفسیر می شد. امکان (یا ضرورت) رابطه متقابلاً سودمند بین کارگران و صاحبان سرمایه، یا طیف بسیار متنوع کشورهای در حال توسعه، از نظر موفقیت، یا راهبردهایی - غیر از انقلاب - که فقرا بتوانند به وسیله آن سرنوشت خود را بهبود بخشند، بسیار به اختصار ذکر می شد و یا به کلی مسکوت می ماند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۵۳۲).

دیدگاه وابستگی در اصل منتج از مکتب تضاد است که مارکس را طلایه دار آن می دانند. به طور خلاصه باید گفت انقلاب های کمونیستی که در جهان اتفاق افتاده همه به نوعی خود را وابسته به تفکر مارکس و مارکسیسم می دانند. این انقلاب ها در نظریات لنین در شوروی و مائو در چین تبلور یافته است. وابستگی را به عنوان طرف مقابل نظریه امپریالیسم تعریف کرده اند. اگر تحلیل روابط میان کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته بر جریاناتی متمرکز باشد که در کشورهای توسعه یافته به وقوع می پیوندند، نظریه استعمار را پدید می آورد، اما اگر این توجه به نیم دیگر معادله یعنی کشورهای توسعه نیافته معطوف شود، نظریه وابستگی را ایجاد می کند. در این معنی، نظریه های وابستگی تلاش می کند جریاناتی را که در کشورهای استعمارزده و یا وابسته رخ می دهد، تبیین نماید.

همانطور که بیان شد، در اواخر دهه ۱۹۵۰ جامعه شناسی توسعه با بحران تئوریکی مواجه شده بود. نه مکتب نوسازی، نه مارکسیسم کلاسیک و نه نظریه های امپریالیستی لنین و رزا لوگزامبورگ، هیچ کدام توانایی تبیین آن چه را که در جهان سوم در حال وقوع بود، نداشتند. از سوی دیگر، هیچ یک از نظریه های مذکور، نمی توانستند شیوه نیل به مرحله ای از توسعه را نشان دهند. پارادایم جدید در حال شکل گیری بود. این پارادایم را می شد در رویکرد نومارکسیستی پل باران و سپس آندره گوندر فرانک مشاهده کرد (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۶۶). همانطور که در بخش مربوط به یافته های تحقیق خواهیم دید، آثاری که در این فراتحلیل بررسی شده اند، هر یک به گونه ای به این نظریات گرایش داشته و یا در تحلیل نهایی از این نظریات بهره گرفته اند.

روش تحقیق

فراتحلیل در حوزه مطالعاتی دنیای علمی امروز جایگاه ویژه ای دارد. استفاده از برآیند یافته های پژوهش های مختلف، جهت برنامه ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کل آن، از مهمترین عواملی است که موجب اهمیت این نوع مطالعات شده است. از طرف دیگر توسعه و انباشت دانش، رویارویی یافته ها برای دریافت پایایی و آزمون تطبیق پذیری آنها در حوزه واقعیت جهت بررسی روایی این پژوهش ها از جمله عوامل دیگری است که موجب توسعه و تکوین این دانش گردیده است. بنابراین آنچه فراتحلیل بر آن تکیه دارد عبارت است از جمع آوری یافته های پژوهش از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه سازی یافته های آن جهت استفاده علمی و کاربردی. از طرف دیگر مطالعه روش شناختی این پروژه ها می تواند نقاط ضعف و قوت کارهای پژوهشی در کشور را به ما نشان دهد، تا از یک سو با تحلیل روش شناسانه در بهینه سازی کارهای پژوهشی تلاش کنیم و از سوی دیگر بتوانیم با فراتحلیل یافته ها به برنامه ریزان در سازمان های اجرایی کشور مدد رسانیم.

روش اصلی در این طرح، مطالعه اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام شده در

حوزه توسعه نیافتگی در ایران بررسی و اطلاعات مورد نیاز در دسته‌بندی موضوعی، روش‌شناسی یافته‌ها و پیشنهادها ارائه خواهد شد و مورد تحلیل و فراتحلیل قرار خواهند گرفت. جامعه آماری و میدان مطالعه عبارت خواهد بود از کتاب‌ها و آثاری که به موضوع عقب ماندگی و توسعه نیافتگی ایران اختصاص داشته است. معیارهای انتخاب این آثار و دوره زمانی آن بر اساس موضوع پژوهش تعیین شد. از نظر زمان، موضوع را تا حد امکان به اولین آثاری که پس از آگاهی و درک ایرانیان نسبت به عقب ماندگی خود منتشر شد برگرداندیم. از نظر بعد جغرافیایی، موضوع فراتحلیل حاضر محصور و منحصر در ایران است، چراکه متفکرانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری در بحث از عقب ماندگی، بیشتر مسلمانان و کشورهای اسلامی و شرقی را مدنظر داشتند و نه انحصاراً ایران. از این رو در این بررسی‌ها این افراد قرار نگرفتند و موضوع را به ایران به طور خاص محدود کردیم.

در بعد موضوعی نیز، علاوه بر عنوان هر اثر و میزان ارتباط آن با موضوع این تحقیق، جنبه جامعه‌شناسانه آثار نیز مدنظر قرار گرفتند. تلاش بر این بود که اصلی‌ترین عناوین و مهم‌ترین آثاری که درباره توسعه نیافتگی ایران منتشر شده‌اند در این فراتحلیل، بررسی شوند. طبق آن چه گفته شد و معیارهایی که در بالا ذکر گردید، مهم‌ترین آثاری که درباره توسعه نیافتگی ایران به نگارش درآمده است، در این فراتحلیل مورد استفاده قرار خواهند گرفت. بیشتر این آثار به فارسی نوشته شده و یا متعلق به نویسندگان فارسی‌زبان هستند.

طبقه‌بندی موانع توسعه و عوامل عقب ماندگی در ایران با اسلوب‌های متفاوتی توضیح داده شده است. کاظم

علمداری (۱۳۸۹) در کتاب «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟» به ۳ گروه از

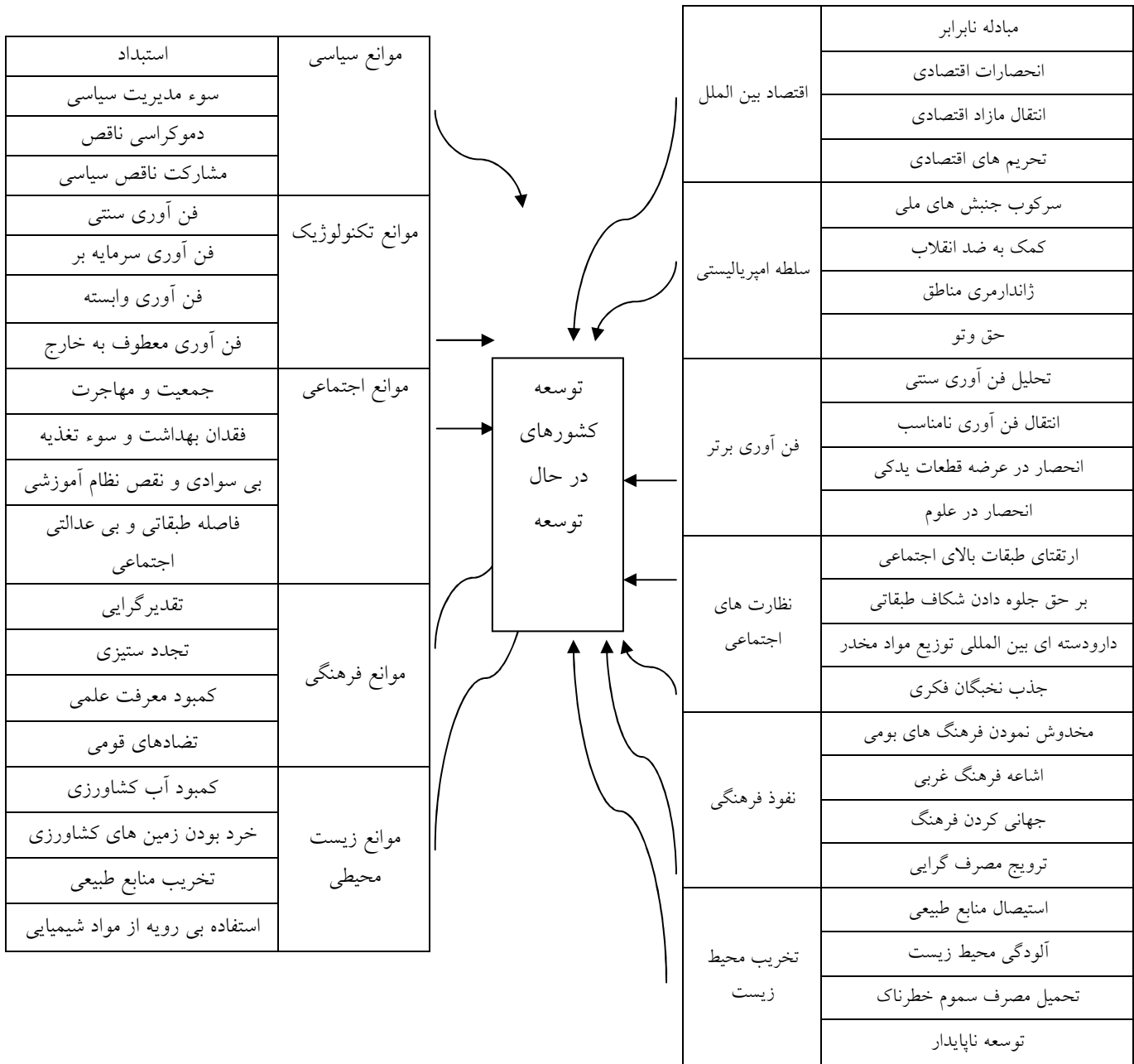
این نظریات اشاره کرده است: گروه اول؛ عوامل خارجی را مسئول عقب ماندگی می‌دانند. گروه دوم؛ عامل ذهنی و فرهنگی و شخصیتی را مسئول عقب ماندگی می‌شمارند. گروه سوم؛ شامل نظراتی است که به شکل‌های مختلف به وجه اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه تکیه دارد. در این پژوهش دو مدل تحلیلی که توسط لهسائی زاده و توکل ارائه شده ملاک عمل قرار گرفته‌اند:

موانع داخلی توسعه

کمبود سرمایه گذاری	موانع اقتصادی
توزیع نابرابر کالا و خدمات	
رشد بی تناسب بخش خدمات	
بیکاری و فقر	



موانع خارجی توسعه



الگوی توسعه مخدوش کشورهای در حال توسعه بر اثر موانع داخلی و خارجی توسعه - مدل لهسایی زاده (۱۳۸۲)

فهرست آثار بررسی شده در این پژوهش

عنوان اثر	نویسنده	دوره مورد بررسی	نخستین چاپ اثر
خلقیات ما ایرانیان	محمد علی جمالزاده	-	۱۳۴۵
غرب زدگی	جلال آل احمد	پهلوی به بعد	-
موانع تاریخی رشد سرمایه داری	احمد اشرف	قاجاریه	-
اقتصاد سیاسی ایران	همایون کاتوزیان	مشروطیت تا پایان پهلوی	۱۳۶۶
نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب	عبد الهادی حائری	صفویه به بعد	۱۳۶۷
مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران	حسین عظیمی	-	۱۳۷۱
زوال اندیشه سیاسی در ایران	سید جواد طباطبایی	تاریخ ایران پس از اسلام	۱۳۷۳
ایرانیان و اندیشه تجدد	جمشید بهنام	قاجاریه و پهلوی	۱۳۷۵
توسعه و تضاد	فرامرز رفیع پور	پس از انقلاب	۱۳۷۶
تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر	موسی غنی نژاد	پهلوی به بعد	۱۳۷۷
مقاومت شکننده	جان فوران	صفویه به بعد	۱۳۷۷
ما چگونه ما شدیم؟	صادق زیباکلام	قاجاریه	۱۳۷۷
جامعه شناسی نخبه کشی	علی رضاقلی	قاجاریه و پهلوی	۱۳۷۷
جامعه شناسی توسعه - مطالعه تطبیقی ایران و ژاپن	احمد رجب زاده	صفویه به بعد	۱۳۷۸
اندیشه نوسازی در ایران	تقی آزادارمکی	-	۱۳۷۹
چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟	کاظم علمداری	تاریخ ایران پس از اسلام	۱۳۸۰
دیباجه ای بر نظریه انحطاط ایران	سید جواد طباطبایی	صفویه به بعد	۱۳۸۰
موانع توسعه سیاسی در ایران	حسین بشیریه	پهلوی	۱۳۸۰
تضاد دولت و ملت	همایون کاتوزیان	مشروطه به بعد	۱۳۸۰
جامعه شناسی خودمانی	حسن نراقی	-	۱۳۸۰
جامعه کوتاه مدت	همایون کاتوزیان	قاجاریه به بعد	-
فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی	دال سیونگ یو	قاجاریه و پهلوی	۱۳۸۱
موانع توسعه	محمد توکل	-	۱۳۸۱
عنوان اثر	نویسنده	دوره مورد بررسی	نخستین چاپ اثر
جامعه شناسی توسعه فرهنگی	فیروز راد	-	۱۳۸۲
موانع توسعه فرهنگی در ایران	محمد توحیدفام	-	۱۳۸۵
پاسخ به یک سؤال خودمانی: چرا عقب مانده ایم؟	یوسف فرامزی	-	۱۳۸۶
در پیرامون خود مداری ایرانیان	حسن قاضی مرادی	-	۱۳۸۸
اخلاق و سرشت ایرانیان	فرحناز ابونیا عمران	-	۱۳۸۸
نظریه سرزمینی و ابنیه منفرد	پرویز پیران	-	-

یافته های تحقیق

همانطور که از جدول فوق پیداست، مبنا و معیار بررسی و در اولویت قرار گرفتن این آثار، زمانی است که هر اثر به نگارش درآمده است. برای این منظور تا آنجا که امکان داشت، نخستین چاپ اثر را استخراج کرده و آن‌ها را بر این اساس بررسی کردیم. در طی کار تلاش شد تا بر مبنای مدلی که لهسایی زاده ارائه کرده است، تقسیم‌بندی به عوامل و موانع داخلی و خارجی و نیز همچنین زیرگروه‌های معرفی شده در این مدل عمل شود و بنابراین در جدول یافته‌ها، که در ادامه آمده است، این تقسیم‌بندی به شکل واضح‌تری در ارتباط با آثار بررسی شده بیان خواهد شد.

نام اثر	گرایش اصلی	گرایش‌های فرعی
---------	------------	----------------

نام اثر	گرایش اصلی	گرایش‌های فرعی
چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟	موانع داخلی زیست محیطی: وضعیت اقلیمی	یگانگی دین و دولت متأثر از وضعیت معیشتی، کمبود آب، عدم پیدایش فئودالیسم اقتصادی - اجتماعی: کندی رشد طبقات اجتماعی، عدم پیدایش رقابت، ضعف گروه‌های اجتماعی در مقابله با قدرت مطلقه دولتی
زوال اندیشه سیاسی در ایران	خرد ستیزی و زوال اندیشه عقلی	سقوط امپراتوری اسلامی - یورش مغولان - خودکامگی نظام حکومتی از صفویان به بعد
دیبچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران	تجارب تاریخی در کنار نگاه چندوجهی به تحولات	تنش‌های آئینی - فرهنگی، تنش‌های میان فرمانروایی و فرهنگ ایرانی، رکود بازرگانی، از بین رفتن امنیت داخلی، تنش‌های ایرانیان با نیروهای مهاجم، وضعیت جغرافیایی ایران و تنش‌های میان فرهنگ ملی و فرهنگ‌های بیگانه
مقاومت شکننده	نظریه وابستگی	اقتصاد تک محصولی - اقتصاد وابسته در زمان قاجاریه - عدم وجود طبقه مستقل سرمایه‌دار و عوامل متعددی که ایران را از صفویه به بعد از مدار اقتصاد جهانی بیرون رانده

چندگانگی پایه های اجتماعی و فرهنگی نخبگان، عدم شکل گیری ساخت سیاسی منسجم، نهادی شدن نفوذ سیاسی خارجی (نظریه وابستگی)، محدود شدن روابط تجاری ایران در قرن ۱۸، بحران های مالی، همسویی نظام آموزشی با اشرافی گری	چندگانگی پایه های اجتماعی	جامعه شناسی توسعه، مطالعه تطبیقی تاریخی ایران و ژاپن
عقب ماندن از کاروان دانش، یورش های بیگانگان، گسترش بیماری ها در سده ۱۸، شکل گیری روابط استعماری در طول تاریخ ایران	استعمار و ضعف تاریخی ایرانیان در برخورد با استعمار	نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب
شرایط اقلیمی: کمبود آب و ساختار سیاسی منتج از آن. پراکندگی و دور بودن مناطق زندگی، جنگ های متعدد، هجوم قبایلی همچون قوم مغول، مناسبات پدرسالاری و قبیله ای.	افول چراغ علم، فضای خردستیز و ضد فلسفه	ما، چگونه ما شدیم؟
استبداد، حاکم بودن ارزش های قبیله ای بر بوروکراسی، بهره وری پائین، فقدان امنیت اجتماعی، وجود روحیه دلالی و عدم اراده و روحیه برای تولید، عدم کارایی فارغ التحصیلان و نقص نظام آموزشی.	ساختار اجتماعی بیمار، هویت جمعی ایرانیان	جامعه شناسی نخبه کشی

گرایش های فرعی	گرایش اصلی	نام اثر
----------------	------------	---------

نوسازی وابسته، عدم هماهنگی تجدد با جامعه، قشرهای اجتماعی و مناطق، عدم پدیدار شدن زمینه فکری - فلسفی تجدد. عدم توجه به همه ابعاد تجدد	وابستگی (کشور غیر استعماری وابسته)	ایرانیان و اندیشه تجدد
کم دوام بودن تحولات، عدم انباشت ثروت، سرمایه، نهادهای اجتماعی و حتی آموزشی، ناامنی به وجود آمده بر اثر بی قانونی، مشکل مشروعیت و جانشینی، عدم امنیت بسیار زیاد که کوتاه مدت بودن جامعه را در پی دارد.	کم دوام بودن تحولات اجتماعی، دولت استبدادی	جامعه کوتاه مدت
تداخل شیوه تولید عشایری با شیوه های دیگر تولید - بر هم خوردن توازن موجود در شیوه های تولید.	شیوه های تولید شهری - روستایی - ایلی و نظام اجتماعی حاصله - وضعیت نیمه استعماری	موانع تاریخی رشد سرمایه داری
عدم پیدایش فتودالیسم، مالکیت دولتی بر زمین و استثمارگری دولت - وابستگی طبقات به دولت - عدم وجود قانون - تزلزل دولت - استبداد وسیع دولتی - انحصار قدرت دولت - در هم ریختگی و فساد مزمن اجتماعی	استبداد شرقی - اقلیم خشک، کم آب و پراکنده	اقتصاد سیاسی ایران

گرایش های فرعی	گرایش اصلی	نام اثر
----------------	------------	---------

عدم استقرار قانون و عدم انباشت ثروت و سرمایه	عدم استمرار - حکومت خودکامه - استبداد	تضاد دولت - ملت
بی اعتمادی به نهادها برای پیشبرد کارها- گرایش به کناره گیری و دوری از سیاست - نگرش اجتماعی، فرصت طلبی، بدبینی نسبت به سیاست- عدم هماهنگی نوسازی از زمان پهلوی با ارزش های جامعه - استعمار (موانع خارجی) - احساس عدم امنیت، بدبینی و بی اعتمادی	نظام تولید آسیایی - استبداد شرقی	فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی
ضعف و سرکوب نهادهای جامعه مدنی - عدم مشارکت سیاسی، رقابت ستیزی در عرصه سیاسی - شیوه تولید آسیایی، عدم استقلال طبقات اجتماعی - عدم پیدایش نیروهای نوساز	تمرکز کنترل منابع قدرت - چندپارگی های جامعه سیاسی - گرایش های سیاسی هیأت حاکمه	موانع توسعه سیاسی در ایران
دروغ گویی، تنبلی، عدم تحرک و پویایی و تکاپو، عدم ریسک پذیری، مخفی کاری، تقلب، عدم صبر و حوصله در کارهای تحقیقاتی، عدم انضباط در آموزش	شخصیت اساسی	خلقیات ما ایرانیان
	وابستگی فکری و فرهنگی و تکنولوژیکی به غرب	غرب زدگی

نام اثر	گرایش اصلی	گرایش های فرعی
تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر	عوامل مختلف داخلی مرتبط با نظریه نوسازی	بالا بودن هزینه های معاملاتی - فقدان مالکیت صنعتی - درآمدهای نفتی (اقتصاد تک محصولی) - شیوه تفکر، ارزش ها و عادات - عدم توجه به مبانی فکری و ارزشی مدرنیته - بی قانونی
توسعه و تضاد	نابرابری های اجتماعی، تغییر ارزش ها، نداشتن قدرت تفکر منسجم و علم سازمان یافته	فقر، تغییر ارزش ها در اثر توسعه نامتوازن، آشفتگی و نابرابری اجتماعی، هزینه های بالای معاملاتی، سوءمدیریت سیاسی، آشفتگی سازمانی، استبداد، نابرابری تحصیلات، حجم زیاد فارغ التحصیلان اقدامات کشورهای مداخله گر: از بین بردن نیروی متفکر، فراهم نمودن زمینه فرار مغزها، از بین بردن سازمان تولید متفکران، تأثیر بر روی دولت راه برون رفت پیشنهادی: تواضع، پرهیز از دنیاگرایی، وحدت و توافق ارزشی، افزایش اعتماد اجتماعی مردم به حکومت، تلاش در جهت کاهش نابرابری ها، آموزش در خانواده و مدارس، امکان ابراز نظر و انتقادهای علمی کنترل شده
پاسخ به یک سؤال خودمانی؛ چرا عقب مانده ایم؟	عوامل فرهنگی داخلی	دروغ، بی اعتمادی، تفرقه، تشنت و منازعه، فرار مغزها
نام اثر	گرایش اصلی	گرایش های فرعی

<p>ضعف و فقدان حافظه تاریخی، حقیقت‌گریزی و پنهان‌کاری، ظاهر‌سازی، قهرمان‌پروری، استبدادزدگی، خود‌محوری، بی‌برنامگی، ریاکاری و فرصت‌طلبی، احساساتی‌بودن و شعارزدگی، مسئولیت‌ناپذیری، قانون‌گریزی، نارضایتی دائمی</p>	<p>عوامل فرهنگی داخلی</p>	<p>جامعه‌شناسی خودمانی</p>
<p>بی‌اعتباری مالکیت خصوصی در طی تاریخ ایران، عدم وابستگی اقتصادی حکومت به طبقات اجتماعی، عدم وجود تقسیم کار اجتماعی صحیح بر اثر استبداد تاریخی (ضعف ساختار طبقاتی)، جزمی‌گرایی و تعصب دینی، مناسبات فرهنگی پدرسالارانه - ذهنیت استبداد زده، بی‌اعتقادی، تقلید، خشونت، فساد، ناامیدی و ...</p>	<p>استبداد تاریخی - فقدان هویت فردی (خودمداری)</p>	<p>در پیرامون خودمداری ایرانیان</p>
<p>عدم تحرک و پویایی در تولید، ساختار نامناسب تولید: گسترش نامتناسب بخش خدمات، دوگانگی ساختار اقتصادی، وابستگی تولید به دنیای خارج، عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی، نحوه عمل دستگاه دولتی</p>	<p>عوامل اقتصادی داخلی</p>	<p>مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران</p>
<p style="text-align: center;">راه برون رفت پیشنهادی:</p> <p>دولت نباید به کارفرمای انحصاری تبدیل شود، مالکیت دولتی، مطابق شرع باشد، دخالت‌های دولت در اقتصاد به زیان جامعه نباشد، مشوق توسعه اقتصادی باشد، مغایر قانون اساسی نباشد، به تأمین نیاز مردم معطوف شود، مطابق متضیبات مراحل رشد اقتصادی باشد، جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص - تکیه بر کیفیت در نظام آموزشی، سالم‌سازی بافت و ساختار فعالیت‌های دولتی، تمرکززدایی از بافت اداری - اجرایی، کنترل نرخ رشد جمعیت و ...</p>		
<p>گرایش‌های فرعی</p>	<p>گرایش اصلی</p>	<p>نام اثر</p>
<p>پارامترهای علمی - تکنولوژیکی: عدم رضایت از</p>		<p>موانع توسعه</p>

<p>رشته تحصیلی در بین دانشجویان، جدی نگرفتن پایان نامه های تحصیلی، عدم رضایت شغلی در بین اساتید، قلت تألیف و تحقیق، ارتباط علمی ضعیف بین استادان، ضعف سیستم اطلاع رسانی در کشور اجتماعی - فرهنگی: عدم توجه به توسعه درونزا، نبود ثبات اجتماعی، شکاف طبقاتی و رشد بی رویه جمعیت، فقدان انگیزه برای توسعه، ایدئولوژی آمرانه موانع خارجی توسعه: انتقال تکنولوژیکی سیاسی - اقتصادی: عدم انباشت سرمایه، عدم تحول و تکامل تکنولوژی بومی، اقتصاد نفتی، تمرکز منابع قدرت، چندپارگی اجتماعی، اشاعه بی سوادی در میان کشاورزان، ضعف پس انداز کشاورزان، صنعت ناتوان، نبود نظم اجتماعی و نابرابری های ساختاری شده</p>	<p>راه برون رفت پیشنهادی: حرکت به سمت اقتصاد خودکفا، به وجود آوردن نهادها و قوانین مناسب برای کارکرد درست نظام بازار، تشکیل بافت سیاسی سالم، بسط تساهل و تسامح اجتماعی، اهمیت دادن به تکنولوژی مدرن بومی در جهت کاهش وابستگی، ایجاد فضای رقابتی برای انباشت سرمایه</p>	
<p>جامعه بسته، جهان بینی بسته، اقتصاد بسته، استبداد سیاسی، استبداد علمی، عدم سنجش واقعیت ها بر طبق ملاک زمان و مکان، واقعیت گریزی، احساس عرفانی افراطی، گذشته گرایی و سنت پرستی، عدم احساس نیاز به مبارزه با طبیعت، فقر اقتصادی، تقلید کورکورانه، الیناسیون فرهنگی، استعمار فرهنگی</p>	<p>استعمار و عوامل فرهنگی داخلی</p>	<p>جامعه شناسی توسعه فرهنگی</p>
	<p>راه برون رفت پیشنهادی: راهبرد و الگوی توسعه درونزا، توسعه فرهنگی، خودباوری فرهنگی، تصفیه و پالایش منابع فرهنگی و ضرورت ارتباط آگاهانه و منطقی با غرب</p>	

گرایش های فرعی	گرایش اصلی	نام اثر
----------------	------------	---------

<p>حمله مغول، دروغ‌گویی، بی‌قیدی و ولخرجی، آمادگی در پذیرش استبداد</p>	<p>هویت فرهنگی ایرانیان، عوامل فرهنگی، اجتماعی</p>	<p>اخلاق و سرشت ایرانیان</p>
<p>عدم صراحت و گویایی اهداف توسعه، عدم پیش بینی دقیق عوامل توسعه و مشکلات توسعه، تنوع عناصر ساختی جامعه، عدم ایجاد تحول میان نیروهای درگیر در طرح توسعه، عدم تناسب با موقعیت‌های جاری، موانع طراحی توسعه، مشکلات بوروکراسی، تمرکزگرایی، عدم تعیین ساختار طبقاتی جامعه</p>	<p>موانع داخلی توسعه</p>	<p>اندیشه‌نوسازی در ایران</p>
<p>فقدان تجربه مشارکت سیاسی، نقص نظام آموزشی شرایط اقلیمی: کمبود آب موقعیت ژئوپلیتیکی نقص قانون: نظام ارباب رعیتی تاریخی ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی موانع خارجی: امپریالیسم، ناثباتی ژئوپلیتیکی</p>	<p>موانع فرهنگی داخلی توسعه <i>راه برون رفت پیشنهادی: شناخت دقیق و همه‌جانبه از ساختار داخلی و روندهای بین‌المللی</i></p>	<p>موانع توسعه فرهنگی در ایران</p>

<p>گرایش‌های فرعی</p>	<p>گرایش اصلی</p>	<p>نام اثر</p>
-----------------------	-------------------	----------------

<p>محدودیت منابع آب، موقعیت ژئواستراتژیک ایران، بازتولید نظام استبدادی، انتخاب آگاهانه استبداد توسط ایرانیان برای تأمین امنیت، درونزا نبودن الگوی شهرنشینی، تضاد بین فرهنگ سنتی و فرهنگ عاریتی، مهاجرت بی رویه و انبوه، تشدید بحران هویت و ظهور شخصیت حاشیه نشین.</p>		<p>نظریه سرزمینی و ابنیه منفرد</p>
---	--	------------------------------------

بحث

آثاری که به توسعه نیافتگی ایران پرداخته اند، یا این موانع را در حوزه داخلی در نظر می گیرند و یا در حوزه خارجی. هر یک از این حوزه ها، همانطور که در مدل های بیان شده در فصل پیش گفته شد، واجد تقسیم بندی هایی هستند که در این فراتحلیل ملاک عمل قرار گرفته اند. بیشتر آثاری که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته اند، به نوعی از این تقسیم بندی تبعیت می کنند. از سوی دیگر، ممکن است این آثار بیش از یک عامل را در عدم توسعه یافتگی ایران مؤثر بدانند. از این رو تلاش شده است تا با رعایت تقسیم بندی موجود در مدل های ذکر شده، سهم هر یک از عواملی که در آثار موجود به آن ها اشاره شده است، مشخص شود.

بخش قابل توجهی از این آثار به تحلیل عواملی پرداخته اند که در ذیل عنوان کلی موانع داخلی توسعه جای می گیرند. نظریه پردازان مورد بررسی، حوزه عوامل داخلی را بسیار پررنگ تر و مهم تر از حوزه عوامل خارجی ارزیابی کرده اند. نکته مهم این که این تحلیل ها از عوامل خارجی نیز غافل نبوده و به آن ها نیز پرداخته اند؛ اما اصل و پایه و ملاک را عوامل داخلی قرار داده اند. به بیان دیگر، به اعتقاد این نظریه پردازان، تا زمانی که ایرانیان خود آمادگی پذیرش نفوذ خارجی و استعمار را نداشتند، این عامل به تنهایی نمی توانست مانعی برای توسعه در ایران باشد.

تعداد آثاری که به عوامل خارجی پرداخته اند و به نوعی نفوذ خارجی (تحت عنوان کلی تئوری توطئه) را عامل توسعه نیافتگی ایران مطرح کرده اند، کم و محدود بوده است. برخی مطالعات صورت گرفته کلاً به این موضوع اختصاص داشته و برخی دیگر اشاره ای گذرا به نقش عوامل خارجی داشته اند. از میان عوامل خارجی که بررسی شده اند می توان به امپریالیسم، استعمار، ایجاد زمینه برای فرار مغزها و انتقال تکنولوژی اشاره کرد.

بیشتر آثار بررسی شده، توسعه نیافتگی ایران را چندمتغیری دیده و تحلیل کرده اند. تعداد کتاب هایی که این امر را تک عاملی دیده و یا فقط به یک بعد از ابعاد توسعه نیافتگی ایران پرداخته اند، کم و محدود بوده است.

آثاری که با نگاهی تاریخی به بررسی توسعه نیافتگی ایران پرداخته اند، تجارب مختلف تاریخی را عمدتاً از زمان صفویه به این سو مورد ارزیابی قرار می دهند. اگرچه تحلیل هایی نیز در ارتباط با نقش تاریخی حمله مغول در توسعه نیافتگی ایران به چشم می خورد، اما بیشتر تحلیل ها، صفویه به بعد و به ویژه از زمان مشروطه و پهلوی را ملاک ارزیابی خود قرار داده اند.

موانع ساختاری و حقوقی از جمله مواردی است که در برخی از آثاری که در این فراتحلیل بررسی شده اند، به عنوان مانع

توسعه در ایران به آن‌ها اشاره شده است، اما در مدل‌های نظری که در فصل سوم تشریح شد، در سرفصل جداگانه‌ای نیامده است. بهتر دیده شد که سرفصل تازه‌ای برای موانع ساختاری و حقوقی گشوده شود. بخش قابل توجهی از موانعی که در آثار بررسی شده ذکر گردیده‌اند، به تشریح عواملی پرداخته‌اند که در ذیل عنوان موانع ساختاری و حقوقی جای می‌گیرند. عواملی چون ضعف قانون، بی‌قانونی، عدم اجرای صحیح قوانین، مشکلات سازمانی و بوروکراسی ناتوان که همانطور که در جدول ۵ آمده است، بارها و بارها در این آثار ذکر گردیده‌اند.

در میان تحلیل‌های موجود، موانع سیاسی و به ویژه استبداد تاریخی و آمادگی ایرانیان در پذیرش استبداد حائز رتبه نخست در میان عوامل متعددی بوده است که در این آثار به آن‌ها اشاره شده است. حجم قابل توجهی از این آثار به تشریح نقش تاریخی استبداد در عقب ماندگی ایران، تولید و بازتولید استبداد و تلاش‌ها و مبارزات ایرانیان بر علیه این عنصر تاریخی اختصاص یافته است. یکی از مواردی که بازتولید استبداد را در تاریخ ایران منجر شده است، نیاز شدید به تأمین امنیت بوده است. در آثاری که مسئله استبداد را به گونه‌ای تاریخی بررسی کرده‌اند، به این امر اشاره شده است.

بعد مهم دیگری که بیشتر به آن پرداخته شده است، مسئله اقلیم ایران از نظر خشکی و کم‌آبی است. در میان تحلیل‌های موجود، مشکلات زیست محیطی از حیث جغرافیای طبیعی ایران جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده است. برخی تحلیل‌ها تا آن‌جا پیش رفته‌اند که مسئله استبداد و سلطه قدرت مطلقه دولتی در ایران و همچنین بازتولید استبداد را هم به نیاز فراوان به تمرکز منابع قدرت دولتی جهت ساماندهی به منابع آب مربوط دانسته‌اند.

کتاب‌هایی که مسائل اجتماعی و نقش این مسائل را در توسعه نیافتگی ایران مدنظر داشته‌اند، به دو مورد بیشتر اشاره داشته‌اند: یکی نقش چندپارگی‌ها و گسست‌های اجتماعی و دیگری نقش نابرابری‌های اجتماعی در عقب ماندگی ایران. موارد اخیر به طور اخص در مدل‌های موجود، که پیش از این تشریح گردیدند، وجود نداشتند که می‌توان آن‌ها را در ذیل عنوان موانع ساختاری و حقوقی جای داد.

از دیگر عواملی که در ذیل مسائل ساختاری قرار می‌گیرد و در مدل‌ها، به آن اشاره‌ای نشده است، ضعف و عدم تعیین ساختار طبقاتی جامعه است که در برخی از مطالعات به آن‌ها اشاره شده است. در ذیل همین عنوان، ساختار فرهنگی اجتماعی پدرسالار و پاتریمونیال را نیز می‌توان قرار داد.

عوامل فکری نیز سهم مهمی در این تحلیل‌ها دارند. در دو اثر مهم، خاموشی چراغ علم، ضدیت با فلسفه و خردستیزی مانع اصلی در راه توسعه ایران عنوان شده‌اند.

در زمینه مسائل اقتصادی، اقتصاد تک محصولی بر پایه درآمدهای نفتی، عدم انباشت سرمایه مشکلات سازمانی و بوروکراسی در اقتصاد، هزینه‌های بالای معاملاتی فقر و تورم، صنعت ناتوان و مانند این‌ها مهم‌ترین موانع توسعه ایران ذکر شده‌اند.

عوامل فرهنگی و روانی بسیاری نیز در این آثار به آن‌ها اشاره شده است که از جمله آن‌ها می‌توان این موارد را ذکر کرد: احساساتی بودن و شعارزدگی، نداشتن اراده برای تغییر و توسعه، بی‌انگیزگی، دروغ‌گویی و تملق، بی‌اعتمادی، تفرقه و مانند این‌ها. نکته جالب توجه این‌هاست که عوامل ذکر شده، پائین بودن سرمایه اجتماعی را در پی داشته و به همین طریق، توسعه نیافتگی را هم دامن خواهد زد.

نقایص آموزشی نیز بخش مهمی از تحلیل های صورت گرفته در این مطالعه بوده است. کلیه آثاری که جنبه های اجتماعی و فرهنگی توسعه نیافتگی ایران را مدنظر داشته اند، به نوعی به ویژگی های ضد توسعه نظام آموزشی اشاره کرده اند. مواردی همچون حجم زیاد فارغ التحصیلان، نابرابری در تحصیلات، ارتباط علمی ضعیف و قلت تألیف و تحقیق از جمله این موارد است.

به نظر می رسد در تحلیل ها و ارزیابی های صورت گرفته در زمینه توسعه نیافتگی ایران مواردی مورد غفلت واقع شده اند. تنش های منطقه ای و بحران های بین المللی از جمله مهم ترین مواردی است که در هیچ یک از این آثار مورد توجه واقع نشده اند. در چند مورد به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران اشاره شده است، اما در این تحلیل ها، موقعیت استراتژیک ایران، دستاویزی برای نفوذ خارجی و استعمار ارزیابی شده است و اشاره ای به تنش های بین المللی مانند جنگ های جهانی و تأثیری که بر ایران داشته است، نشده است. از سوی دیگر وقوع جنگ ایران و عراق و هزینه های بسیار زیاد تحمیل شده و خرابی ها و ویرانی های به بار آمده کمتر مورد توجه این آثار قرار گرفته اند.

منابع

- آزادارمکی، تقی. (۱۳۷۹). *اندیشه‌نوسازی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آل احمد، جلال. (۱۳۷۶). *غرب زدگی*. تهران: انتشارات فردوسی.
- ابونیا عمران، فرحناز. (۱۳۸۸). *اخلاق و سرشت ایرانیان (از باستان تاکنون)*. آمل: انتشارات ورسه.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۶). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. تهران: انتشارات زمینه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۹). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات گام نو.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۶). *ایرانیان و اندیشه‌تجدد*. تهران: نشر فرزانه روز.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). *نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی ایران*. اندیشه‌ایران‌شهر، ۶، ۲۲-۳۵.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: نشر شیرازه.
- توحیدفام، محمد. (۱۳۸۵). *موانع توسعه فرهنگی در ایران*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- توکل، محمد. (۱۳۸۱). *موانع توسعه، مطالعه تطبیقی ایران با ترکمنستان و مراکش*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۴۵). *خلفیات ما ایرانیان*. تهران: انتشارات مجله مسائل ایران.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۷). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راد، فیروز. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی*. تهران: انتشارات چاپخش.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی توسعه، بررسی تطبیقی تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: انتشارات سلمان.
- رضاقلی، علی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*. تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). *توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۸۸). *ما، چگونه ما شدیم؟*. تهران: انتشارات روزنه.
- سو، الوین‌ی. (۱۳۸۷). *تغییر اجتماعی و توسعه*، (محمد حبیبی مظاهری، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیونگ یو، دال. (۱۳۸۱). *فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی (مطالعه تطبیقی ایران و کره جنوبی)*. تهران: انتشارات خانه سبز.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۲). *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۷). *زوال اندیشه سیاسی در ایران، گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران*. تهران: انتشارات کویر.

- عظیمی (آرانی)، حسین. (۱۳۸۹). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- علمداری، کاظم. (۱۳۸۹). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟*. تهران: نشر توسعه.
- غنی نژاد، موسی. (۱۳۸۲). *تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر*. تهران: نشر مرکز.
- فرامرزی، یوسف. (۱۳۸۶). *پاسخ به یک سؤال خودمانی؛ چرا عقب مانده ایم؟*. تهران: انتشارات سبزان.
- فوران، جان. (۱۳۸۲). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی*. (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۹). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: انتشارات کتاب آمه.
- کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی* (محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۸۹). *تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، (علیرضا طیب، مترجم). تهران: نشر نی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۲). *جامعه شناسی توسعه*. تهران: انتشارات پیام نور.
- نراقی، حسن. (۱۳۸۸). *جامعه شناسی خودمانی، چرا در مانده ایم؟*. تهران: نشر اختران.
- نراقی، یوسف. (۱۳۸۰). *جامعه شناسی و توسعه*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- نقدی، اسداله. (۱۳۹۰). *انسان و شهر*. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

Causes of underdevelopment in Iran (based on content analysis of published works in this field)

Naghdi, A. (Ph.D)

Hesari, M,J (M.A)

Abstract:

Awareness to undevelopment in Iran has long record. An overview in Iran's history, specially during recent 150 years in without fatigue efforts of the reformers such as Abbas Mirza, Amir Kabir, Ghaem Magham, Mosaddegh and the others for Iran progress and development have done efforted. This research trys to analysis some of published works by meta-analysis mentioned fields. So, the main question of this research was what sociologic factors have role in Iran's undevelopment from point of sociological view? Theoretical frame work of this research, was in sociology of development and undevelopment such as modernization theory, dependency theory and global system theory, was analysed. On this sequence, during analysis of these theories, the undevelopment connection in special case in Iran, with these theories, were analysed. This work is done by documentary analysis of mentioned works. The works have been selected on base of the cretenia such as time, subject and other dimentions .Some of the most important results are: noticeable part of these works analysis the factors that can be named under general title of development internal obstacles. In belief of these authers, until Iranians, themselves have not been acception of external influence and colonization, this factor solely couldn't be the obstacle for development in Iran. Between external factors that have been analysed, we can point to Imperialism, colonization, led to for brains drian and technology transfer. Political obstacle, specially historical despotism and Iranian acceptance of despotism, has been first one between different factors, that in these works, we are pointed. The works that refers to social problems and its role of these problem take into account in Iran undevelopment, from two points: first: the role of social interruption and second, the role of social inequality.

Key Words: development, Meta analysis, Barriers to the Development, Iran